

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان

مہارت آموزی فرصتی برای ساختن آینده ای روشن

اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی



گزارش عملکرد دانشگاه ملی مہارت واحد استانی سیستان و بلوچستان از
اقدامات بعمل آمده در ایام وداع، تشییع و تدفین آقای شهید ایران

تیرماه ۱۴۰۵



حیدر سابقی

مسئول روابط عمومی:



آغاز راه حرفه‌ای شدن

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان



رئیس دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان جهت حضور
همکاران در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید پیامی صادر کرد.
ادامه مطلب <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/728153>

دانشگاه ملی مهارت



آذین بندی سردرب و محیط دانشگاه به مناسبت آیین وداع ، تشییع و تدفین آقای
شهید ایران



پلی میان دانش و عمل



فراخوان بزرگ پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ادامه مطلب: <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/728155>

دانشگاه ملی مهارت



هم‌نوا با قافله اشک؛
تدابیر دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان برای حضور
در مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی
ادامه مطلب: <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/728156>



سیر ساخت آینده ای توانمند

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



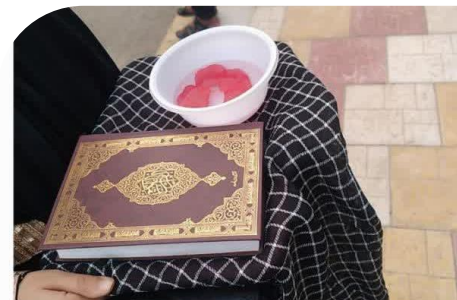
واحد استانی سیستان و بلوچستان



میثاق با خون شهید؛
اعزام کاروان بسیج کارمندان دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و
بلوچستان به مشهد مقدس جهت شرکت در مراسم تشییع باشکوه رهنبر
شهید انقلاب

ادامه مطلب <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/727929>

دانشگاه ملی مهارت



اعزام دانشجویان بسیجی دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و
بلوچستان به مشهد مقدس جهت شرکت در مراسم تشییع و تدفین رهنبر
شهید انقلاب

ادامه مطلب <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/727934>



از آموزش تا اشغال

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه مهاباد
واحد استانی سیستان و بلوچستان



۴

رئیس آموزشکده پسران چابهار گفت: حضور گسترده و پرشور مردم از سراسر کشور در آیین تشییع و وداع با رهبر شهید در مشهد، جلوه‌ای کم‌نظیر از وحدت ملی، همبستگی اجتماعی و وفاداری به آرمان‌های انقلاب اسلامی بود.
<https://www.4baharan.ir/news/462618/> ادامه مطلب

دانشگاه ملی مهارت



برگزاری مراسم یادبود حضرت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب اسلامی در آموزشکده زابل
p-zabol.tvu.ac.ir/fa/727775/%D8 ادامه مطلب



خاستگاه مهارت آفرینان فردا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه ملی مهارت
واحد استانی سیستان و بلوچستان



هیئت رئیسه دانشگاه به همراه جمعی از اساتید و کارکنان، با ادای احترام به ساحت مقدس شهیدگنم دانشگاه، ضمن تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل رضوان الله تعالی علیه و قائد شهید امت، با رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی تجدید بیعت کردند.

دانشگاه ملی مهارت



هم‌نوا با قافله اشک؛
موکب دانشگاهیان دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان
به یاد رهبر شهید انقلاب
ادامه مطلب: <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/727926>



پیوندانش و توانایی در خدمت توسعه ملی



۶

دانشگاهیان دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان
همگام با مردم زاهدان در مسیر «عهد و وفاداری»؛ روایت پیاده روی جاماندگان
تشییع رهبر شهید

ادامه مطلب: <https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/728157>

دانشگاه ملی مهارت



دکتر مطهری نژاد: سوره بقره آیه ۱ تا ۷۶
 آقای صادقی: سوره بقره آیه ۲۸۶ تا ۲۸۹
 آقای حسین میر: سوره آل عمران آیه ۱ تا ۳۷
 آقای خواجه داد: سوره آل عمران آیه ۱۸۴ تا ۱۹۳
 آقای زحمتی: سوره نساء آیه ۱ تا ۱۰
 آقای دامادی: سوره مائده آیه ۱ تا ۱۰۰
 آقای رخشانی: سوره اعراف آیه ۱۵۶ تا ۱۷۴
 آقای خدري: سوره طه آیه ۱ تا ۴۸
 آقای حسن میر: سوره احزاب آیه ۳۵ تا ۴۰

آقای محسن میر: سوره ملک آیه ۱ تا ۱۲
 آقای جهانتيغ: سوره مريم آیه ۱ تا ۲۵
 آقای دهمرده: سوره انبياء آیه ۶۹ تا ۸۲
 آقای شهرکی: سوره حج آیه ۷۵ تا ۸۶
 آقای مشهدی: سوره نور آیه ۳۵ تا ۴۰
 خانم بزی: سوره مومن آیه ۱ تا ۱۱
 خانم عالی مقدم: سوره ملک آیه ۱ تا ۱۲
 خانم برهانزهی: سوره قصص آیه ۷۶ تا ۸۶

قائت قرآن تا حومه

پویش قرائت قرآن و هدیه به روح اقای شهید ایران و خانواده بزرگوارشان



پروش دهنده نیروی انسانی متخصص و کارآمد

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه ملی مهارت
واحد استانی سیستان و بلوچستان



حضور بیش از ۲۰ نفر از همکاران دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان در بدرقه و مراسم تشییع رهبر شهید در مشهد مقدس

دانشگاه ملی مهارت



حضور بیش از ۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان در بدرقه و مراسم تشییع رهبر شهید در مشهد مقدس

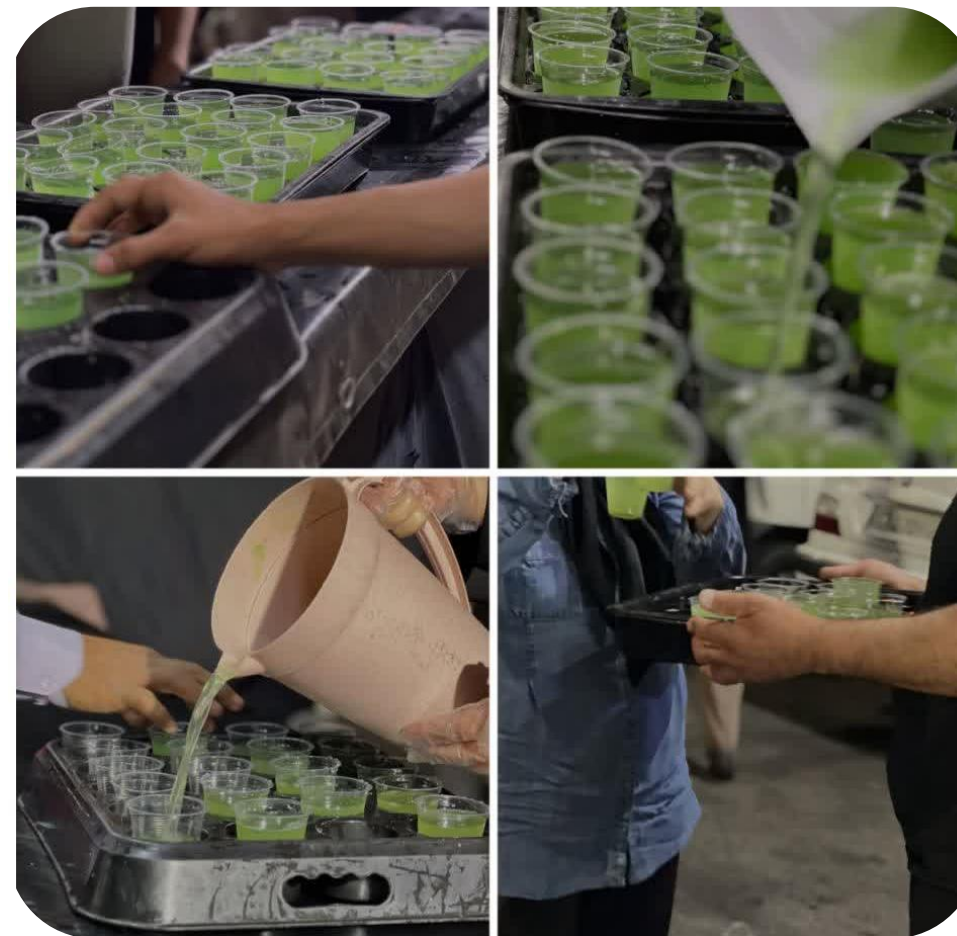


تجلی علم در عمل دانشگاه ملی

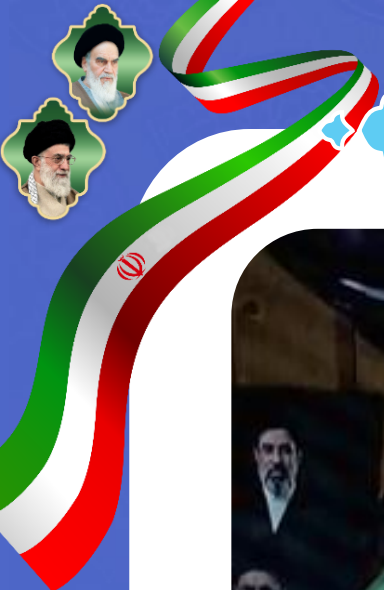


کلیپ تهیه شده توسط روابط عمومی دانشگاه ملی مهارت واحد استانی
سیستان و بلوچستان در خصوص بدرقه آقای شهید ایران
<https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/attach/803252>

دانشگاه ملی مهارت



حضور و کمک خانم ها سعیده سرگزی و نازنین حیدری دانشجویان این
دانشگاه در هئیت روضه النبی در خیابان دانشگاه شهرستان زاهدان
<https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/attach/803253>



مهدسکوفانی استعداد های مهارتی کشور



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
کلیپ توسط دختر همکارمان خانم کیانی از آموزشکده دختران زاهدان به پویش ارسال شده است

<https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/attach/803259>

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
کلیپ توسط دانشجویان خانم ها روشن و ریگی از آموزشکده دختران زاهدان به پویش ارسال شده است

<https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/attach/803268>



پلی میان دانش و عمل



چالش مجازی (نامه ای به رهبر شهید) در ایام سوگواری رهبر شهید

دانشگاه ملی مهارت



سایت ها و گروه های کلیه آموزشگاه های استان مزین شد از سخنان رهبر شهید امت، پویش اید برخاست و سخنان رئیس جمهور در خصوص قائد شهید امت



پرورش دهنده نسل کارآفرین

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
دلنوشته توسط دانشجو آسیه هوتی از آموزشکده دختران زاهدان
به پویش ارسال شده است

وداع با پدر یه ملت یه کشور رهبر شهیدمون حضرت آقا سید علی خامنه ای

سخت است با کسی خداحافظی کنی که سالها برای بسیاری، تنها یک رهبر نبود؛
پدری بود که نامش با صبر، استقامت و امید در خاطر نسلها ماندگار شد

امروز، آسمان این سرزمین غمگین تر از همیشه است. انگار تاریخ، صفحهای از خاطراتش
را با اشک ورق می زند. باور وداع، آن قدر سنگین است که واژه ها از بیانش ناتوان اند.
و در میان این اندوه، نام کوچکی قلبها را بیشتر به درد می آورد؛ زهراگلی... کودکی که فرصت
شکفتن در این دنیا را نیافت و در کنار عزیزانش، قصه ای از مظلومیت و دلتنگی را در ذهنها
به جا گذاشت.

ای پدر این سرزمین، رفتنت برای دوستدارانت پایان یک حضور نیست؛ آغاز دلتنگی بی پایانی
است که در هر طلوع و هر غروب، نامت را زمزمه خواهد کرد.

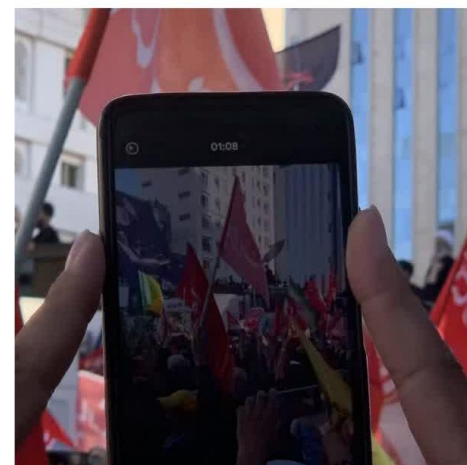
خداحافظ ای پدر...

خداحافظ ای تکیه گاه دل های بسیار...

نامت در یادها خواهد ماند و خاطره حضورت، تا همیشه در قلب دوستدارانت زنده
خواهد بود.

روح همه درگذشتگان قرین رحمت الهی باد.

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط دانشجو حسینعلی سرگزی از آموزشکده پسران زاهدان

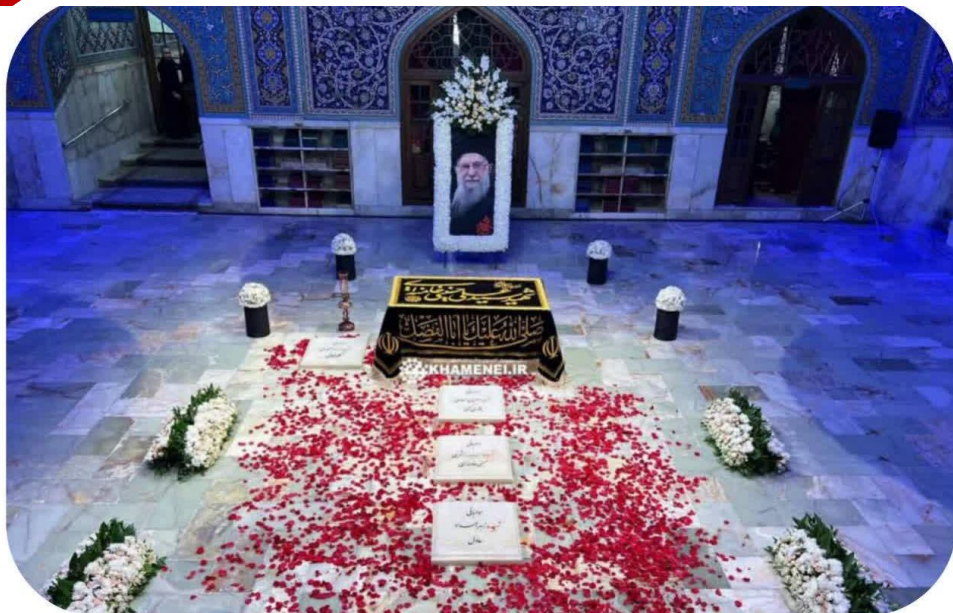


جایی برای تبدیل استعداد به توانایی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط خانم اصلی همکار محترم آموزشکده دختران زاهدان

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط آقای دهمرده همکار محترم آموزشکده پسران زاهدان



پسوندانش و توانایی در خدمت توسعه ملی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه ملی مهارت
واحد استانی سیستان و بلوچستان



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط آقای علی سنچولی همکار محترم آموزشکده پسران زاهدان

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط آقای علی مدنی همکار محترم دانشگاه ملی مهارت قم



پرورش دهنده نیروی انسانی متخصص و کارآمد

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه مهاباد
واحد استانی سیستان و بلوچستان

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط خانم کوهستانی دانشجوی آموزشکده دختران زاهدان

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط دانشجو مطهره دهمرده از آموزشکده دختران زاهدان



بستری برای آموزش، مهارت و کارآفرینی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه مهارت
واحد استانی سیستان و بلوچستان

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط خانم مهین میر همکار محترم آموزشکده دختران زاهدان

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط آقای هادی نیرومند همکار محترم آموزشکده امام خامنه ای بوشهر



پیشگام در تربیت نسل مهارت محور کشور

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان

دانشگاه ملی مهارت



پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط دانشجو رضا پور خسرو از آموزشکده پسران زاهدان

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
ارسال عکس توسط آقای میثم اسدی همکار محترم دانشگاه ملی مهارت
استان مرکزی



دانشگاه ملی مهارت

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان

● تشییع خورشید ●

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود و آن دل که با خود داشتیم با دل ستانم می رود

در سوز حرارت تیرماه، وقتی نفس در سینه حبس می شود و آسمان از گرما به رگه های سرخ می نشیند، اینجا یعنی قلب ایران اما آتش دیگری شعله ور است؛ آتش دلی که برای پیکریاک رهبر شهیدش در عمق خیابان جاری شده است.

امروز تهران، امروز قم، کربلا، نجف، مشهدالرضا، امروز ایران، امروز تمام پهنه ی دلهای آزاده یکپارچه عزاست. از پیرمردی که عصا به دست گرفته، از پیرزنی که خزان خزان با دو دست بر زمین داغ حاضر به کول شدن نیست، تا کودکی که پرچم را بر دوش کوچکش سوار کرده، همگی در یک صف بی انتها ایستاده اند؛ صفی که نه گرما را می شناسد و نه خستگی را. «یا لثارات خامنه ای» فریادی است که از اعماق جان ایرانیان برمی خیزد؛ ندایی که نه فقط شعار، که ضربان مشترک یک ملت است. این جمعیت خروشان موج وار پیش می رود، هر موجی یادآور بصیرتی است که از خون پاک رهبر شهید، تازه تر و شورانگیزتر جوشیده است.

گرما تیغ می کشد بر پوست، اما نه یک نفر عقب نشینی می کند، نه یک دست از اهتزاز پرچم بازمی ایستد. گویی خود زمین نیز در این وداع تپش دارد و آسمان با قطره های عرق پیشانی عزاداران وضو می گیرد.

● وداع نه، فی امان الله

● زیارت کربلا قبول آقای شهیدم

● خادم حضرت خورشید به آغوش حرم خوش آمدی

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دلنوشته توسط آقای محمد ابراهیمی فر همکار محترم آموزشکده پسران زاهدان به پویش ارسال شده است

میسروند آموزش با اشتغال بیدار

بازگشت به روزهای یتیمی

بعضی داغ ها را نمی شود نوشت... فقط باید نشست و گریه کرد.

سألها پیش، وقتی پدرم رفت، گفتند: «صبر باش، خدا خودش پناه یتیم ها است.» من صبر کردم؛ اما همیشه جای خالی یک تکیه گاه را در دلم حس می کردم

وقتی تو را می دیدم، انگار بخشی از آن دلنگی آرام می شد. رهبر شهیدم، تو برای من فواید از یک پیشوا بودی؛ تو همان نگاه مهربانی بودی که یادآوری می کرد حتی در تاریک ترین روزها، هنوز کسی هست که مثل پدر... با تمام وجود برای آرامش ما می جنگد.

هر وقت صداقت را می شنیدم، هر وقت نگاه مهربانیت را می دیدم، کمی از دلنگی پدر آرام می شد اما آن روز... آن سحر روز دهم که خبر شهادت را شنیدم، انگار دوباره همان دختر کوچک شدم؛ همان دختری که کنار گوشه های از خانه نشسته بود و نمی فهمید چرا دیگر کسی او را «دخترم» صدا نمی زند.

من یتیم بودم... ولی امروز دوباره یتیم شدم.

می گویند آدم ها می روند، اما راهشان می ماند. درست... ولی چه کسی می داند جای یک پدر را هیچ راهی پر نمی کند، وقتی خبر شهادت را شنیدم، انگار زخم گهنه یتیمی دوباره دهان باز کرد.

«مردم گفتند: «رهبرمان رفت...» ولی من فقط یک جمله شنیدم: «دخترم... دوباره یتیم شدی»

چه کسی می داند دختری که طعم یتیمی را چشیده، از رفتن هر پدری بیشتر می شنود. از روزی که پدرم رفت، هر وقت دلم می شکست، یا خودم می گفتم هنوز کسی هست که برای این سرزمین، مثل یک پدر دل بسوزاند.

اما امروز... وقتی نامت را بر کنار واژه «شهادت» دیدم، دنیا دور سرم چرخید.

من دختر یتیمم... خوب می فهمم یتیمی یعنی چه.

یعنی دلت هزار بار فریاد بزند «پاپا...» و هیچ صدایی ساخت را ندهد.

رهبر شهیدم کاش می شد فقط یک بار دیگر صداقت را بشنوم؛ یک بار دیگر با همان آرامش همیشگی بگویی:

«... آرام باشید»

: امروز بعضی، همان همیشگی گویی من است. اشکهایم بی اجازه می ریزند و دلم فقط یک جمله را زمزمه می کند:

«... پاپا»

از آن روزی که پدرم رفت، هیچ وقت کسی را «پاپا» صدا نزنم؛ اما دلم همیشه احساس می کرد هنوز سایه ای هست که بر ایمان پدری می کند.

... حالا آن سایه هم رفته است

این روزها نه فقط من... که هزاران دختر یتیم، دوباره طعم تلخ بی پناهی را چشیدند.

پاپا جان رهبر شهیدم... برای دختران یتیم این سرزمین دعا کن. ما خوب بلدیم داغ را تحمل کنیم، اما این بار دلمان خیلی خسته است... خیلی

آزاده میر
کارشناسی ناپیوسته حسابداری
09153445049

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دلنوشته توسط دانشجو آزاده میر از آموزشکده دختران زاهدان به پویش ارسال شده است



دانشگاه ملی مهارت



میسریند آموزش با اشتغال بیدار

بسم الله الرحمن الرحيم

ای مردمان سوگوار و ای برادران پناه خون‌های کربلا؛
من که خود را در برابر عظمت این ایام، خاکستری بیش نمی‌بینم و
هرگز ادعایی بر دانایی پنهان عالم ندارم، اما با تکیه بر نور سیره
اهل بیت (ع) و با نگاهی به حقیقت شهادت، در دل خود چنین می‌بینم
و حس می‌کنم که...

نور پر شکوه و با عظمت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه
الشریف) بر این خاک گام نهاده است؛ تا در میانه‌ی تشییع پیکر مطهر
رهبر عظیم‌الشأن و شهید مخلص خود، بر مزار این سرباز جاوید، گواهی
دهد و با حضور قدسی‌اش، بر این حقیقت بزرگ، سوگوار باشد.

امید که خداوند، توفیق همگامی با این حضور غیبی و کسب رضایت آن
مقام رفیع را، نصیب همه‌ی ما در این لحظات بی‌همتا گرداند.

«بعون الله و کرمه»

«از چشم ما تا چشم راه تو»
ای رهبر شهید، ای آنکه روزی گفتی «ندیده‌تان را دوست دارم» حالا ما، صدها
کیلومتر دورتر و یا در صف‌های به هم فشرده تشییع، با چشمانی تر، این جمله
را به تو پس می‌دهیم:

«ما نیز تو را ندیده، عاشقانه دوست داریم.»
آمدیم تا از تو حلاوت بطلبیم؛ نه از گناهی که کرده باشیم، بلکه از کوتاهی‌هایی
که کردیم. آمدیم تا بگوییم که این دل‌ها، پس از تو، نه تنها خالی نشد، که با
بیعتی دوباره، پُرتر از همیشه شد. آمدیم تا بر پیکر پاکت نماز بخوانیم، نمازی
که، سوگند بر شمشیر است.

ما در شب‌های قدر، قرآن بر سر گرفتیم و از خدا خواستیم که خواب آرام تو،
بیداری ما باشد. اما تو فقط یک مرد نبودی؛ تو یک «جریان» بودی. جریانی که
آغاز گردی، ادامه دادی و اکنون، پسر شما «سید مجتبی» علم‌دار آن است.
ما امروز در این مراسم، با رهبر سوم انقلاب بیعت می‌کنیم؛ بیعتی که نه از روی
عادت، که از روی بصیرت است. می‌دانیم که انتقام خون تو، وعده‌ای الهی است
که به دست امت اسلام و سربازان امام زمان (عج) رقم خواهد خورد. اما انتقام
واقعی، فقط در میدان جنگ نیست؛ در ادامه‌دادن راه توست، در مقاومت تا
آخرین نفس، در تبدیل کردن هر کوچه به حسینیه و هر دل به سنگر.
تو رفتی تا بمانی؛ و ما ماندیم تا نشان دهیم که «اسلام» با رفتن یک سردار،
زمین‌گیر نمی‌شود. دشمن یقین کند که «شهید»، نه یک پایان، بلکه یک آغاز
است.

روح شاد ای خادم ملت، که اینک در کنار مولایت آرام گرفته‌ای، و ما در زیر
پرچم خلف صالحت، تا ظهور، پرچم‌دار همان راه تو خواهیم ماند.
اللهم عجل لولیک الفرج...

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دینوشته توسط دانشجو حکیمه کسمایی نجف آبادی دانشگاه ملی مهارت اصفهان
به پویش ارسال شده است

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دینوشته توسط آقای محمدتقی باغبان خلجانی همکار محترم دانشگاه ملی مهارت
آذربایجان شرقی به پویش ارسال شده است



■ آجَزَكِ اللّٰهَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ بِمَصَابِ اسْتِشْهَادِ جَدِّكَ وَ سَاعِدِ اللّٰهَ قَلْبِكَ الشَّرِيفِ فِي مَصِيبَةِ جَدِّكَ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اَعْدَائَكُمْ وَ جَعَلْنَا اللّٰهُ مِنْ مَوَالِيكُمْ وَمَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ عَجَلَ اللّٰهُ تَعَالَى فِي فَرَجِكُمْ الشَّرِيفِ

■ عَظَّمَ اللّٰهُ أَجُورَنَا وَ أَجُورَكُمْ

!! مَاشِيعِيَانِ يَكْ بَارِ سَرْمَانِ كَلَاهِ رَفْتِ!

♦ روز عاشورایی، مرحوم شیخ انصاری رحمت الله علیه جلوی درب ورودی محن مطهر حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیهما السلام) ایستاده بود و از دسته جات سینه زنی استقبال میکرد و در کنار او، آفندی که از طرف حکومت عثمانی حاکم عراق بود، ایستاده بود. آفندی از شیخ انصاری پرسید: ای شیخ، هم ما قبول داریم که حسین بن علی (علیهما السلام) مظلوم شهید شده و یزید انسان پست و خونخواری بود و ما هم در عزای ان بزرگوار غمگین هستیم، اما پرسش من این است که این مراسم یعنی چه؟ سینه زنی، زنجیر زنی، دسته راه انداختن، گل به سر مالیدن و ... اینها چه هدفی را دنبال می کنند؟ مرحوم شیخ انصاری فرمودند: سر مطلب این است که ما شیعیان یک بار سرمان کلاه رفت و با این مراسم تلاش می کنیم دوباره چنین نشود. آفندی پرسید: یعنی چه؟! شیخ انصاری فرمود: در جریان غدیر، پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله در برابر صد هزار نفر، علی علیه السلام را با صراحت به وصایت خود برگزید و شما انکار کردید و گفتید غدیر نبوده یا اگر بوده چیز مهمی نبوده است، فقط سفارش به دوستی با علی (علیه السلام) بوده است. اشکال از ما بود که ما عید غدیرخم را با سر و صدا و شعار، بزرگ نداشتیم و این چنین شد. ترسیدیم که اگر عاشورا، را هم بزرگ نداریم و با شعار و تظاهر برگزار نکنیم، شما انکار کنید و بگویید اصلاً حسین علیه السلام شهید نشد یا حسین (علیه السلام) را راه زنان میان راه کشتند و یزید (لعنت الله علیه) انسان باتقوایی است !!!

تو می روی و دل مردمی به دنبالت
شوم فدایت! تماشای رفتنت سخت است...
چه تلخ است وداع با چون تویی که تمام قامتش از مهر، ایثار و انسانیت سرشته بود رفتی، اما حضورت در کوچه پس کوچه های خاطره، در نگاه و دعای همه ما جاودانه خواهد ماند.

این خاک، به عطر ایثار و اخلاصت معطر و به قدم های استوارت مفتخر است و نامت، چون نگینی بر انگشتر روزگار، خواهد درخشید و یادت، همچون نسیمی قدسی، در جان مشتاقان خواهد وزید.
آرام بخواب، ای مرد بزرگ و نجیب؛
که دعای خیر مردمان، بدرقه راهت؛

و یاد روشن تو، چون شمعی فروزان، تا همیشه در شب های دلتنگی ما خواهد سوخت؛ راهی که با فروتنی، آزادگی و دانش پیمودی، مشعلی فروزان بر فراز راه ما دانشگاهیان خواهد ماند؛ تا هر نسل، روشنایی خویش را از فروغ اندیشه و منش تو برگزیند.

اکنون که به میهمانی رحمت بی کران حق شتافته ای،
از پروردگار مهربان، برایمان صبر، آرامش و رحمت خواه، چراکه ما، ماندگان این کاروان، با داغ فراق تو و خیل عظیم خوبان خواهیم زیست.

گشت فارغ و آسوده دل، ای روح و روانیم
قوی سنله گنده روح روانیم، دل و جانیم
سنسبز قالا دنیاده اگر، نام و نشانیم
دنیاجه وار اوندا، غم و حسرت آقاجانیم

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دینوشته توسط آقای محمدتقی باغبان خلجانی همکار محترم دانشگاه ملی مهارت
آذربایجان شرقی به پویش ارسال شده است

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دینوشته توسط آقای محمدتقی باغبان خلجانی همکار محترم دانشگاه ملی مهارت
آذربایجان شرقی به پویش ارسال شده است



دانشگاه ملی مهارت

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان

«فریاد صلابت؛ وقتی کلام، تیغ حق می‌شود»

«سخنان امروز، تنها واژگانی نیستند که از میان لب‌ها جاری شده‌اند؛ این‌ها شلیک حقیقت در تاریکی فریب است. این‌ها نه تنها یک پیام، بلکه حکم نهایی ایستادگی در برابر هیمنه‌ی دروغ است. به دشمن می‌گوییم:

گمان کردید با ریختن خون رهبر، اراده‌ی ما را به خاک خواهید سپرد؟ در اشتباهید! ما از خون شهدا، نه تنها سوگوار، که «آموزگار» شدیم. شما با خون، مرزهای ما را ترسیم کردید و ما با این خون، مسیر پیروزی را روشن کردیم. اگر گمان می‌کنید با ضربات برحمانه، لرزه بر اندام ما می‌اندازید، بدانید که ما از جنس سنگ سخت و از خون جاویدان هستیم؛ ما بر زمین این خاک، نه با قراردادهای لرزان، که با صلابت خونین خود ایستاده‌ایم.

به سازشکاران و معامله‌گران می‌گوییم: زمان سایه‌بازی در اتاق‌های تاریک و چشم دوختن به لبخندهای مکار دشمن، به پایان رسیده است. اکنون زمان "همه یا هیچ" است. در برابر این طوفان، یا باید سد استواری بود یا فرو ریخت؛ اما سازش در برابر خون، خیانت است و در برابر عزت، خودکشی. کلام امروز، سپری است در برابر هر دستی که برای معامله با شیطان، دراز شده است. ما دیگر به دنبال "امتیاز" نیستیم؛ ما تنها به دنبال "حاکمیت حق" هستیم.

به ملت شریف و جان‌سخت می‌گوییم:

تکیه‌گاه شما، نه یک کالبد، که یک "ایده" و یک "ایمان" است. رهبر رفت، اما "رهبری" در رگ‌های هر از خود گذشته‌ی حق‌طلب جاری ماند. نگران تنهایی نباشید؛ چرا که وقتی حق در میان است، تمام جهان هستی، از خونی که ریخته، قدرت می‌گیرد. ما در این مسیر، تنها نیستیم؛ ما در میانه‌ی این طوفان، با اراده‌ای که از میان خون و آتش برخاسته، گام برمی‌داریم.

امروز، کلام ما، فریاد استقلال است؛ کلام ما، مرگ بر دشمن و حیات بر عزت است. ما عقب نمی‌نشینیم، ما تنها به جلو، با صلابت خون و ایمان، گام برمی‌داریم.»

«...و اما، آنچه دشمن در محاسبات سرد خود نادیده گرفته است، آن "نه‌ی قاطع و بی‌رحمانه‌ای است که از سوی رهبر بر پیکر پیشنهادهای مسموم آنان فرود آمد.

آن‌ها با وعده‌ی «آرامش کاذب» آمدند؛ خواستند که ما با فروختن عزت، زخم‌هایمان را بپوشانیم و با تسلیم بی‌حیا، فشار لرزان دنیای امروز را تحمل کنیم. اما آن‌ها فراموش کردند که این ملت، با خون شهدا و با اشک مهر رهبر، خویشتن را شناخته است. کلام امروز، پاسخی است به هر کسی که می‌خواهد "امنیت" را در "بند دشمن" جستجو کند. ما می‌گوییم: آرامشی که در گرو از دست دادن سرپرستی و استقلال باشد، تنها یک "مرگ آرام" است، و ما برای زندگی، به خون ایستادگی نیاز داریم. سازش با دشمن، معامله با مرگ است؛ و ما در برابر مرگ، زانو نمی‌زنیم، بلکه از آن برای برخاستن استفاده می‌کنیم.

اما چه کسی از این سنگینی بار، باخبر است؟

چه کسی از آن "خون‌دل‌های عمیقی که در رگ‌های این ملت و در قلب رهبر جاری است، خبر دارد؟ این ایستادگی، از سنگ بنا نشده است؛ این ایستادگی، از زخم‌های عمیق روح و از دل‌شکستگی‌های خونین برخاسته است.

ما از خون‌دلی‌هایی می‌گوییم که در شب‌های تنهایی رهبر و در میانه‌ی سوگ مردم، به بار نشست. هر قطره‌ی اشکی که برای از دست رفتن عزیزان، برای بی‌عدالتی جهانی و برای سنگینی بار مسئولیت ریخته شده، در واقع قطره‌ای از خون قلب این ملت است. مردم، با قلب‌هایی که از غم فقدان و از فشار سنگین روزگار، خون می‌بارد، ایستاده‌اند؛ و رهبر، با قلبی که از سنگینی مسئولیت در برابر این خون‌ها، به لرزه افتاده، فرمان ایستادگی می‌دهد.

این یک ایستادگی ساده نیست؛ این ایستادگی کسانی است که قلب‌هایشان از سوگ خونین وطن، زخمی و پاره است. ما با قلب‌های خونین، اما با اراده‌ای پولادین، در برابر طوفان ایستاده‌ایم. زیرا می‌دانیم که اگر امروز در برابر فشار دشمن، کوتاه بیاییم، آن خون‌هایی که در قلب‌هایمان جاری است، هرگز به آرامش نخواهد رسید.

ما از میان این خون‌دل‌ها، راه پیروزی را می‌سازیم. ما از میان این اشک‌های سنگین، قدرت نبرد را می‌گیریم. چرا که کسی که با قلب خونین و چشمانی اشک‌بار، ایستادگی می‌کند، دیگر از هیچ چیز نمی‌هراسد... مگر از نگاه حق.»

مسیر سوزناک آموزش با اشتغال بیدار

«... گویی در میانه‌ی تاریخ ایستاده‌ایم و شاهد فروپاشی معنا هستیم؛ چرا که سنگین‌تر از این غم، دنیا به خود نمی‌بیند. فقدان او، تنها یک مرگ نبود، بلکه پایان یک عصر آرامش و آغاز دوران بی‌سایه‌ی رنج است.

از این پس، دیگر آن نگاه مَحْرمانه و آن کلام پناهنده، در میان ما نیست تا در اوج طوفان، به ما اطمینان سکون ببخشد. اکنون که سایه‌ی او از آسمان جان‌هایمان برخاسته، بادهای بی‌رحم روزگار، بی‌مهابا به ریشه‌ی اراده‌هایمان می‌تازند. هر تلاطم سیاسی، هر سختی اقتصادی و هر تازیانه‌ی بی‌عدالتی، اکنون با شدتی دوجندان بر ما فرود می‌آید؛ چرا که دیگر آن تکیه‌گاه پولادین، که در برابر هر طوفانی، برای ما سپر می‌شد، در میان ما نیست.

ما در این دوران بی‌سایه، با خود می‌گوییم: چگونه باید راه را یافت، وقتی قطب‌نمای روح از ما گرفته شده است؟ چگونه باید ایستادگی کرد، وقتی آن مربی بزرگ که به تنهایی، ترس را در دل‌های ما به ایمان بدل می‌کرد، به پیشگاه حق شتافته است؟ این، تنها فقدان یک مربی نیست؛ این، گویی از دست دادن خود "معنا" در میانه‌ی میدان عمل است.

اما، ای حقیقت ماندگار! ای که با رفتنت، جهان را در میانه‌ی این سنگینی مهارناپذیر، رها کردی؛ بدان که این بی‌سایگی، ما را به تسلیم نمی‌برد، بلکه ما را به جستجوی دوباره‌ی نور تو وا می‌دارد. اگرچه آسمان ما بی‌سایه شده، اما ما یاد گرفته‌ایم که چگونه از میان سایه‌های سیاه، به دنبال آن نوری بگردیم که تو در وجودمان بر جای گذاشتی.

ما با قلب‌هایی که زیر بار این غم جهانی، در هم شکسته، اما با اراده‌هایی که از خون شهادت و از آموزه‌های تو جان گرفته، در این دوران سخت، قدم بر زمین خواهیم گذاشت. ما می‌دانیم که سنگینی این غم، نشانه‌ی بزرگی توست، و ما در برابر این بزرگی، تنها با بزرگ‌ترین میراث تو، یعنی "استقامت"، پاسخ خواهیم داد.

ما در این بی‌سایگی، خودمان را به نوری می‌رسانیم که هرگز خاموش نمی‌شود؛ نوری که تو با شهادتت، از میان تاریکی جهان، به ابدیت پیوند زدی. ما می‌دانیم، با تمام دردهایمان، تا نشان دهیم که حتی سنگین‌ترین غم‌ها، نمی‌تواند بر استوارترین پیمان‌ها، غلبه کند.»

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دلنوشته توسط خانم دکتر معصومه کردی گودرزی همکار محترم دانشکده شریعتی تهران به پویش ارسال شده است

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»

دلنوشته توسط خانم دکتر معصومه کردی گودرزی همکار محترم دانشکده شریعتی تهران به پویش ارسال شده است



مسیر یوندا آموزش با اشتغال بیدار

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



واحد استانی سیستان و بلوچستان

دانشگاه ملی مهارت



در فراق یار،
دردی به جانمان نشسته که دیگر بلند نمی شود
زخمی به روحمان زده که دیگر دوا نمی شود
گرچه مردم دنیا طبیب همه غفلت هم شوند
این زخم دوا نمی شود که نمی شود که نمی شود
نمرد شمر زده به جانم، به که گویم، بکارم؟
چونان که خلیل هم قدم نهد، خادوش نمی شود
بیک مرد رفته از این شهر که روح عالم؟
چون شهر فنگان، صدای شنیده نمی شود
دینا بدون تو جانما عجب به اجبت است
خورشید غروب کرده و گاه طلوع نمی شود
تقدیر را گویم درخ است و نام است در حجر
بارفتن به طبیب جان (بجای نمی شود)
جان و تن چشم به ندا، جو عیسای تو
غیر از دم مسیح که چسبنداردا نمی شود
ماک وطن را تو بر بود و مراد و مقتدا
حب الوطن، به اذن تو و سید (محبوب نمی شود)
بهروز مکش که از این در حجر حاشور
دلخوش باش به نوازش که دیگر دوا نمی شود

بهروز نیکدل نقاش
۱۴۰۵، ۱۹



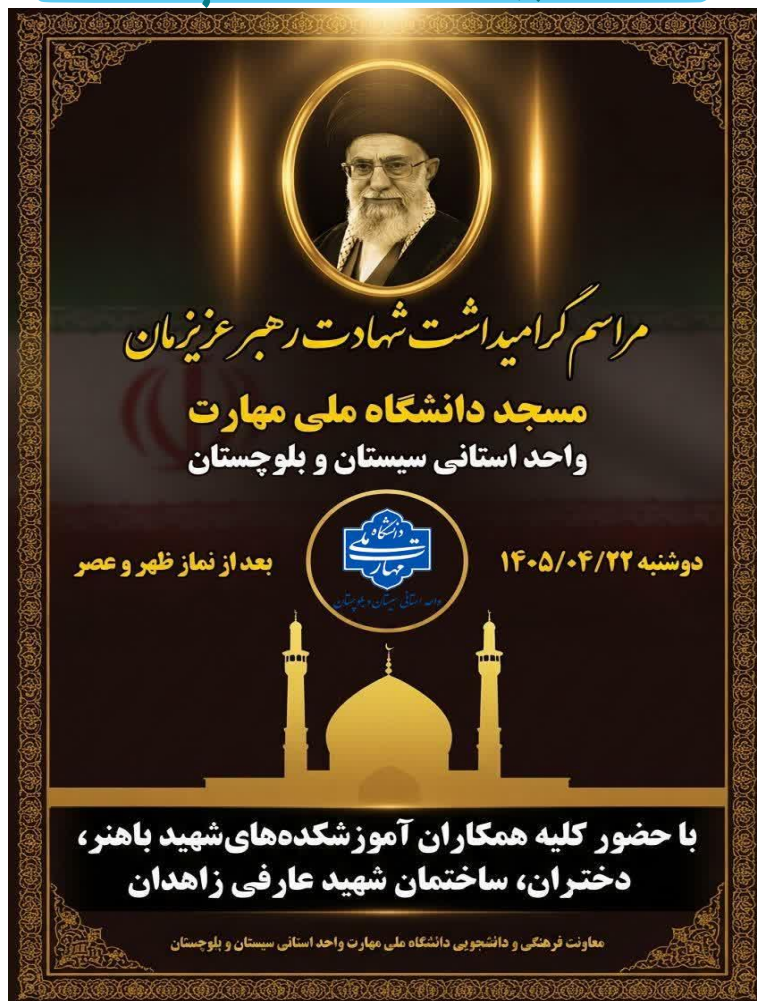
پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
خلق سروده در فراق یار (آقای شهید ایران) توسط آقای تیموری همکار محترم
واحد استانی سیستان و بلوچستان به پویش ارسال شده است

پویش «بدرقه آقای شهید ایران»
کلیپ تهیه شده توسط معاونت فرهنگی و دانشجویی در خصوص بدرقه کنندگان
آقای شهید ایران به پویش ارسال شده است

<https://p1-zahedan.tvu.ac.ir/fa/attach/803525>



مسیرونند آموزش با اشتغال بیدار

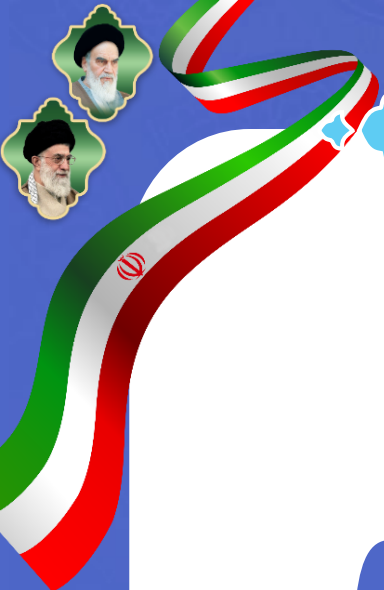


مراسم گرامیداشت قائد شهید امت
در دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان

دانشگاه ملی مهارت



جلسه حوزه فرهنگی و دانشجویی در خصوص برگزاری
مراسم گرامیداشت آقای شهید ایران در دانشگاه



مسیر سوزد آموزش با اشتغال پایدار



دانشگاه ملی مهارت



روابط عمومی دانشگاه ملی مهارت واحد استانی سیستان و بلوچستان

تیرماه ۱۴۰۵